

تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر ادراک نماهای شهری از منظر پدیدارشناسی

چکیده

نماهای شهری به عنوان اولین و خارجی‌ترین پوسته علاوه بر معرفی هویت و شخصیت شهرها، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاهانه بر انسان اثر گذاشته و ادراک ناشی از این تأثیرات عامل رفتارهای انسان در محیط می‌گردد. در پژوهش حاضر چارچوب نظری بر مبنای نظریات کلی مطرح شده در مبحث پدیدارشناسی ادراک، خصوصاً در زمینه معماری و شهری طرح‌ریزی شدند. محدوده مورد مطالعه (سه شهر میانه اندام محدوده شمال غرب ایران) شامل مهاباد، بوکان و سقز می‌باشند که در حالت کلی دارای بافت یکنواخت از مشترکات قومی، فرهنگی، اعتقادی و آداب و سنن هستند. ۱۵۴ شرکت‌کننده شامل ۹۴ مرد و ۶۰ زن، به روش نمونه‌گیری هدفمند و غیراحتمالی انتخاب گردیدند. روش پژوهش ترکیبی از دو روش پدیدارشناسی تفسیری و نظریه زمینه‌ای است. از روش نظریه زمینه‌ای در مرحله کدگذاری داده‌ها و استخراج مقوله‌ها و از روش پدیدارشناسی تفسیری در بخش تفسیر داده‌ها استفاده شد. نتایج مطالعه، مؤلفه‌های مؤثر بر تجارب ادراکی نماهای شهری را مشخص و در نهایت نمودار مدل ادراک مخاطب از نماهای شهری ارائه شده است که می‌تواند همچون پارادایمی در طراحی نماهای شهری مورد توجه قرار گیرد.

اهداف پژوهش:

۱. تدوین مدل پدیدارشناسی ادراک مخاطب از نماهای شهری
۲. پیشنهاد راهکارهایی برای طراحی نماهای شهری برای رسیدن به فضاهای انسانی‌تر

سؤالات پژوهش:

۱. مؤلفه‌های ذهنی و عینی نماهای شهری که بر ادراک مخاطب مؤثرند کدامند؟
۲. براساس نظریات پدیدارشناسی ادراک، نماهای شهری بر اساس چه الگو یا مدلی در ذهن مخاطب ادراک می‌گردد؟

واژگان کلیدی: نمای شهری، ادراک، پدیدارشناسی تفسیری، نظریه زمینه‌ای.

مقدمه

شهرها به عنوان فضاهای انسان ساخت، مکان‌هایی هستند که همه‌ی مردم خواه ناخواه در معرض آن قرار می‌گیرند و در میان این محیط‌های مصنوع زندگی و کار می‌کنند. رابطه و تعامل بین محیط و انسان یک رابطه دیرینه است. انسان در محیط و بنا بر نیاز خود دست به تغییر می‌زند و به عبارت دیگر بر آن اثر می‌گذارد و همین فضای ساخته شده نیز به عنوان محصول ساخته‌ی دست بشر بر ابعاد روحی و روانی و جسمی انسان تأثیر متقابل دارد. در خصوص نماهای شهری نیز این پرسش بسیار حائز اهمیت است که مردم این فضاها را چگونه درک می‌کنند؟ نحوه تعامل شهروندان و نماهای شهری به چه صورت است؟ و نماهای شهری چه اثراتی بر تجربه ادراکی مخاطبان خود دارند؟ هدف این پژوهش نیز شناسایی مراحل ادراک نماهای شهری از دید ناظرین و عواملی است که بر این ادراکات اثرات آشکار یا پنهان دارند. بررسی و شناسایی این نکات می‌تواند کمک شایانی به طراحی‌های شهری و معماری داشته و الگوهای مناسبی برای کار متخصصان امر ارائه نماید.

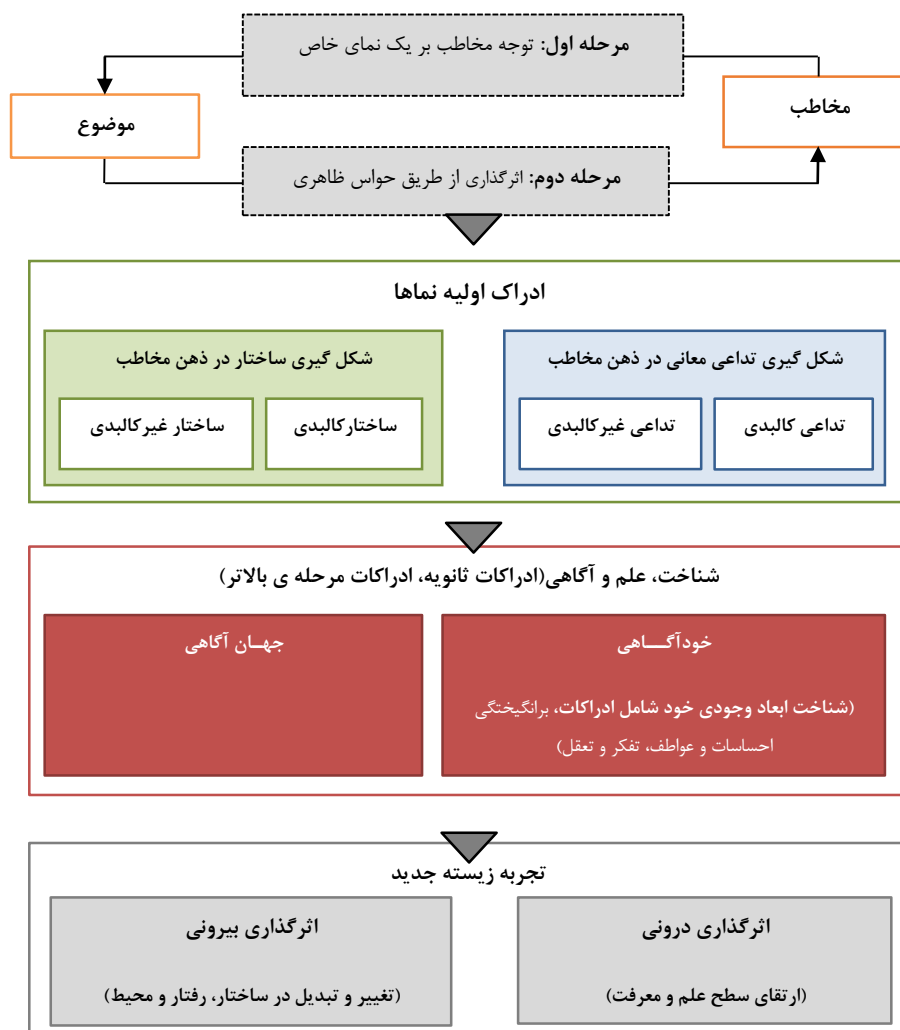
پیرامون پیشینه پژوهش باید گفت در این زمینه تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است اما موارد مشابهی توسط محققان صورت گرفته است که الگوهای آنان به عنوان پیش زمینه‌های تحقیق در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. (Ayudhya, ۲۰۱۵) در یک مطالعه پدیدارشناسانه تجارب روزمره نشان می‌دهد که ادراک فضای شهری در چهار مقیاس شهری، معماری، انسانی و ادراک متن در زمان صورت می‌گیرد. (Sansone, ۱۹۷۹) بیان می‌دارد که ادراک انسان از خود و خلق معنا، حاصل تعاملی است که انسان از درک متقابل بین خود درونی و محیط بیرونی کسب می‌کند. یعنی ساختارهای محیطی مفاهیم درونی را شکل می‌دهند و از تعریف بیرون به مفهوم درون پی می‌بریم. (Dehnadfar, ۲۰۱۳)، معماری را هنر تجربه می‌داند و معتقد است که بدن انسان و محیط اطراف از هم جدا نیستند و فضاها، بدن را تجسم می‌دهند. امیر ریگی (۱۳۹۳) در سنجش تطبیقی تجربه‌ی منظر شهری میان مردم و طراحان شهری با رویکرد پدیدارشناسی به این نتیجه می‌رسد که تجربیات مردم از فضا بیش از عناصر فیزیکی ثابت از جمله جداره‌ها، به زندگی و روح فضا وابسته است. مطالعات پدیدارشناسانه دیگری نیز در خصوص ادراک و محیط از سوی صاحب نظران صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به Seamon (۱۹۸۲)، Nasar (۱۹۸۹، ۱۹۹۴ و ۲۰۱۱)، نقی‌زاده و استادی (۱۳۹۳)، شیرازی (۱۳۹۱)، پرتوی (۱۳۸۲) و پورمند (۱۳۸۹) اشاره کرد.

در این پژوهش از سه گروه متفاوت از داده‌ها استفاده شد که از طریق مجموعه‌ای از روش‌ها مانند مصاحبه، مشاهده و بررسی اطلاعات به دست آمدند. برای تأمین اعتبار مقوله‌بندی‌های مستند به توصیف‌های مصاحبه‌شوندگان، در چندین جلسه از آنان خواسته شد تا به صورت گروهی به بحث در خصوص نتایج جمع‌بندی اطلاعات مبتنی بر صحت یا سقم درک نظرات ارائه شده در مصاحبه، بپردازند. همچنین از نظرات سایر محققان شامل اساتید رشته‌های معماری و شهرسازی و محققان پژوهش‌های کیفی درباره‌ی شیوه‌های به‌کار گرفته‌شده، بررسی نتایج و صحت آنها یاری گرفته شد تا با بررسی یادداشت‌ها، مقوله‌بندی انجام شده و با مقایسه مقوله‌ها و تحلیل‌های مشابه که در همین راستا انجام

گرفته‌اند، به انتخاب نتایج منطقی بپردازد. در انتخاب شرکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی (فلیک، ۱۳۹۱) استفاده شد و افراد به صورت داوطلبانه و هدفمند برای این تحقیق گزینش شدند. ویژگی شرکت‌کنندگان به قرار زیر بود: (۱) سن افراد شرکت‌کننده در تحقیق بالای ۱۸ سال باشد. (۲) هر شرکت‌کننده باید حداقل سه سال متوالی در شهر مذکور زندگی کرده باشد. (۳) شرکت‌کنندگان از زن و مرد انتخاب شوند و تا رسیدن به نظریه‌ای جامع، تعداد شرکت‌کنندگان به مرحله اشباع به نفر برای هر شهر رسید.

نتیجه‌گیری

فراخوان پدیدارشناسانه فراخوانی است برای بازگشت به دنیایی که مقدم بر دانش است. فراخوانی برای در پراتنز قرار دادن دنیای مادی و تقدم بخشیدن به زیست-جهان است. نکته اصلی در رویکرد پدیدارشناسانه مبتنی بر این فرض است که مردم و محیط به صورت تنگاتنگ درهم تنیده‌اند؛ به گونه‌ای که هر یک آن دیگری را به وجود می‌آورد و منعکس می‌نماید. بررسی ادراک از دیدگاه نظریات پدیدارشناسی تفسیری عنوان یک الگوی نو در تحلیل‌های شهری نتایجی به شرح زیر را شامل گردید. مخاطب در مرحله‌ی اول با موضوع ارتباط برقرار می‌کند. این ارتباط از طریق حواس ظاهری صورت می‌گیرد. از برقراری این ارتباط، ادراکات اولیه‌ای در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد. این ادراکات شامل دو وجه ساختاری و معنایی است. در وجه ساختاری، مخاطب یا صورت فیزیکی و کالبدی را درک می‌کند (شامل اندازه، رنگ، شکل، طرح، فرم، موقعیت مکانی و ...) و یا وجوه غیرکالبدی را ادراک می‌نماید (مانند عوامل اجتماعی، اعتقادات و باورها، سطح اقتصادی و ...). در بخش تداعی معانی نیز به همین صورت است و عناصری مانند شکل و فرم، جزئیات، موقعیت مکانی، ارتفاع و مقیاس نماها می‌توانند ساختارهای فیزیکی یا خاطرات، حوادث و رویدادهای تجربه شده ناظرین را بازنمایی و یا تداعی نمایند. مجموعه ساختار و معنا ادراک مخاطب را به سطوح بالاتر ارتقاء می‌دهد و در این بخش علم، آگاهی و شناخت شکل می‌گیرد که در دو شکل خودآگاهی و شناخت جهان و ادراک محیط اطراف بروز می‌کند. در بخش شناخت خود، نماها انسان را بر ساحت‌های وجودی خود از جمله حواس ظاهری و واکنش‌های حسی عاطفی آگاه‌تر ساخته و سبب تجلی احساسات نهفته می‌شوند. این ادراکات شهودی و بی‌واسطه هستند. در بخش شناخت محیط، نماها دو وجه عمده را شناسایی می‌کنند. اول شناخت علایق و روحیات کلی مردمی که در فضاهای شهری زندگی می‌کنند و در نماها آن‌ها را منعکس می‌سازند. از سوی دیگر عوامل عمده محیطی مؤثر بر شکل نماها نیز ادراک و شناخته می‌شوند که در پژوهش حاضر، ناظرین در مقیاس شهری اقتصاد و فرهنگ را عوامل شکل‌گیری نماها معرفی نموده‌اند. حاصل ترکیب و تعامل این دو وجه شناختی، تجربه زیسته‌ی جدیدی را شکل می‌دهند. این شناخت و تجربه جدید به دو صورت نمایان می‌شود؛ یا به صورت درونی است و سبب ارتقای سطح علم و معرفت می‌شود و یا به صورت اثرگذاری بیرونی است و سبب تغییر و تبدیل در ساختار، رفتار و فضا می‌گردد.



(نمودار ۸): مدل ادراک مخاطب از نماهای شهری، (مأخذ: نگارندگان)

منابع

استرنبرگ، رابرت ج (۱۳۹۵)، «روانشناسی شناختی»، ترجمه سید کمال خرازی، تهران: انتشارات سمت.

پاکزاد، جان‌شاه و حمیده بزرگ (۱۳۹۱)، «الفبای روانشناسی محیط برای طراحان»، تهران: نشر و پخش ثمین.

پرتوی، پروین (۱۳۹۴)، «پدیدارشناسی مکان»، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

پلاسما، یوهانی (۱۳۹۳)، چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی، مترجم: رامین قدس، تهران: پرهام.

شاهچراغی، آزاده و علیرضا بندرآباد (۱۳۹۵)، «محاط در محیط (کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی)»، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۹۵)، «گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان»، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران: انتشارات پرهام نقش.

شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۹۳)، «وجود، فضا و معماری»، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران: انتشارات پرهام نقش.

فلیک، اووه (۱۳۹۱)، «درآمدی بر تحقیق کیفی»، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

لنگ، جان (۱۳۹۱)، «آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط»، ترجمه دکتر علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، «روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲؛ مراحل و رویه‌های عملی در روش شناسی کیفی»، انتشارات جامعه‌شناسان.

اصلانیان، یاشار. ذبیحی، حسین. رهبری‌منش، کمال (۱۳۹۹). «ساختارشناسی مفهوم رضایت‌مندی مسکن با رویکرد فلسفه پدیدارشناسی (نمونه موردی: خانه قاجاری شیخ‌السلام و چند مجتمع مسکونی در زنجان)»، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۷، صص ۴۸-۲۶.

امامی سیگارودی، عبدالحسین و دیگران (۱۳۹۱). «روش شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی». فصلنامه پرستاری و مامایی جامع نگر، سال ۲۲، شماره ۶۸، صص ۶۳-۵۶.

امیری ریگی، سارا. (۱۳۹۳). «سنجش تطبیقی تجربه‌ی منظر شهری میان مردم و طراحان شهری با رویکرد پدیدارشناسی (نمونه موردی: خیابان اصلی گوهردشت کرج)». دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، دانشکده معماری و شهرسازی، (پایان نامه کارشناسی ارشد).

بابایی، علی (۱۳۹۴)، «جنبش پدیدارشناسی در گفت و گو با دکتر شمس‌الملوک مصطفوی»، ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت، سال دهم، شماره ۵، پیاپی ۱۱۲، صص ۱۶-۱۲.

پرتوی، پروین (۱۳۸۲)، «پدیدارشناسی مکان: اصول و متدولوژی»، دانشگاه تهران، دانشکده هنر و معماری.

پورعلی، مصطفی (۱۳۹۰)، «درباره پدیدارشناسی در معماری». نشریه تخصصی معماری و شهرسازی صفه، سال بیست و یکم، شماره ۵۲، صص ۲۹-۲۰.

پورمند، حسنعلی و دیگران (۱۳۸۹)، «مفهوم مکان و تصویر ذهنی و مراتب آن در شهرسازی از دیدگاه کریستیان نوربری شولتز در رویکرد پدیدارشناسی»، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۹۲-۷۹.

شاهچراغی، آزاده (۱۳۸۸)، «تحلیل فرآیند ادراک محیط باغ ایرانی بر اساس نظریه روان‌شناسی بوم‌شناختی»، فصلنامه هویت شهر، سال سوم، شماره ۵، صص ۸۴-۷۱.

شیرازی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط»، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱، صص ۹۹-۹۱.

نقی‌زاده، محمد و مریم استادی (۱۳۹۳)، «مقایسه تطبیقی مفهوم ادراک و فرایند آن در فلسفه و روانشناسی محیط و کاربرد آن در طراحی شهری». فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره سوم، سال اول، صص ۱۴-۳.

ماجدی حمید و همکاران (۱۳۹۰)، «باز تعریف فضای شهری» مطالعه موردی: محور ولیعصر حد فاصل میدان ولیعصر تا چهار راه ولیعصر، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۷، صص ۲۸۳-۲۶۳.

Ayudhya, Thirayu Jumsai na. (2015). Architectural Experience in the Everyday Context. (Ph. D). Queensland University of Technology.

Dehndfar, Pegah Damineh. (2013). The Third Skin: Transpire, Tension, Parturition: Body as Analogy. (M.A). Ryerson University, Toronto, Ontario, Canada.

Nasar, L. Jack. (1989). Perception, Cognition and Evaluation of Urban Places. Journal of Public Places and Spaces: Part of the Human Behavior and Environment book series (HUBE, Vol.10), pp: 31- 56.

Nasar, L. Jack. (1994). Urban Design Aesthetics: The Evaluative Qualities of Building Exteriors. Journal of Environment and Behavior, Vol.26, No. 3, pp: 377-401.

Nasar, L. Jack. (2011). Environmental Psychology and Urban Design. In: Banerjee, T. Sideris, Anastasia Loukaitou (ed.) Companion to Urban Design.

Ng, Lawrence Sheung Chee. (2009). [S.P.A.] Sensory Phenomenological Architecture. (M.A). Ryerson University. Toronto, Ontario, Canada.

Sansone, Thomas Austin. (1979). Installations and the Conditions of Vision the Structure of Phenomena: The Phenomenon of Structure. (M.S). Massachusetts Institute of Technology.

Seamon, David. (1982). The Phenomenological Contribution to Environmental Psychology. Journal of Environmental Psychology, Vol.2, pp: 119- 140.